

بهرام برومند

خوشنویسی اوستایی

نگاهی به پاره‌ای از دستنوشته‌های اوستا براساس سنت کتابت و خوشنویسی آنها

قدیمی‌ترین اسناد درباره کتابت اوستا متنهای به‌جامانده به زبان فارسی میانه و سنت زردشتی است که بر نگارش آیات اوستا به دست خود زردشت، به روی پوست گاو و یا لوحه‌های زرین و نهادن آن در گنج شاهی یا آتشکده سمرقند دلالت می‌کند.

زردشت دین آورد. به فرمان گشتاسب شاه یک هزار و یکصد فرگرد به دین دیبری بر تخته‌های زرین کند و به گنج آن آتش (آتش بهرام) بنهاد.^۱

گذشته از مطلب فوق که کتابت اوستا را در زمان زردشت می‌داند و جنبه افسانه‌ای دارد، به رد پای جدیدتری از نگارش این کتاب در حوالی دوره هخامنشی بر می‌خوریم.

در کتاب دینکرد آمده است که به دستور گشتاسب آموزه‌های زردشت نوشته شد. نسخه اصلی آن را در گنج شاهی نهادند و رونویسها بی از آن تهیه کردند و یک نسخه از این رونویسها را به دز نیشت فرستادند. با آمدن اسکندر آن نوشته به دست یونانیان افتاد و آن را به یونانی ترجمه کردند.^۲ در جای دیگری از همین کتاب آمده است که به فرمان دara پسر دara (دارایوش سوم، حکم ۳۶۶-۳۳۰ قم) همه اوستا و زند را در دو نسخه تهیه کردند؛ یکی را در خزانه شاهی و دیگری را در دز نیشت نهادند.^۳ به هر حال پس از پراکنده شدن اوستا بر اثر حمله اسکندر چندین شاه ایرانی در دوره‌های مختلف تلاش کردند آن را دوباره گردآوری و تدوین کنند. در حدود ۲۷۰ سال پس از فروپاشی حکومت هخامنشیان، بلاش یکم اشکانی (حکم ۷۸-۵۱ قم) فرمانی صادر کرد و به شهرهای مختلف فرستاد تا آنچه را از اوستا و زند به شکل نوشته یا شفاهی از گزند در امان مانده بود جمع آوری کنند.^۴

اطلاعاتی درباره نوع خط اوستایی دوره‌های هخامنشی یا اشکانی نداریم؛ اما به نظر آندرئاس^(۱)، احتمالاً این خط نوعی خط پهلوی مشتق از آرامی بوده است.^۵ از آنجا که این خط با توجه به محدودیتهای خط اشکانی غنی توانسته تمامی دقایق و ظرایف آهنگین اوستا را منتقل کند، سنت حفظ کردن و شفاهی خوانی اوستا تا پایان دوره پارقی به صورت مکمل و همراه با خط ادامه یافت. بی‌گیری تلاشها در دوره ساسانی در حکومتی دین دوست، قوی‌تر و منظم‌تر ادامه یافت. در اوایل دوره

خط اوستایی یا دین دیبره از کامل‌ترین و زیباترین خطوط برای زبانهای ایرانی است و بنا به نظر پژوهشگران زبانهای باستانی، در نایاب اصوات و تلفظ صحیح هر حرف و کلمه بسیار مناسب و تواناست. از نظر ساختار و شکل ظاهری و گرافیکی نیز زیبایی‌های کم‌نظیری دارد و خواندن و نوشتن آن نیز آسان است. شکل چشم‌نواز و نواخت توانایی این خط آن را بهترین گزینه برای کتابت اوستا ساخته است. با توجه به پیشینه بیش از شانزده قرن خط اوستایی، زمان کافی وجود داشته تا این خط ضمن حرکت در سییر تعالی و زیباتر شدن، به دست کاتیان و دیبران مختلفی کتابت و شیوه‌های مختلفی در آن ایجاد شود. در این مقاله به بررسی بعضی از آنها می‌پردازم.

تحقیقات و بررسیهای علمی‌ای که زبان‌شناسان یا ایران‌شناسان در دست‌نویسهای پهلوی و اوستایی انجام داده‌اند بیشتر بر جنبه‌های زبان‌شناختی، ساختار دستوری و صرف و نحو و گاهی جنبه‌های فرهنگی و تاریخی متمرک بوده و به بررسی دست‌نویسهای از لحاظ قواعد و اصول و هنر خوشنویسی کمتر توجه شده است. مطالعه دست‌نویسهای از دیدگاه افق جدیدی در پیش رو قرار می‌دهد و شاید کمک شایانی به حل مسائل این خط کند، از جمله در زمینه‌هایی که تا کنون اشتباه کتاب تصور می‌شده است. همچنین برای شناسایی و طبقه‌بندی تاریخی و زمانی دست‌نویسهایی که بنوشت نداشته با در طول زمان انجامد یا ترقیمه آنها ناپدید شده است، بررسی قرابت شیوه‌های خوشنویسی آنها راهی پرفاویده است. این مقاله شامل مختصات از تاریخ کتابت اوستا در بخش نخست و سپس بررسی چند شیوه اصلی اوستانویسی و ذکر مشخصات آنهاست.

(1) Andreas

نامتصل بودن خط پهلوی کتبهای را، که باعث آسانی خواندن و نوشتن این خط و کاهش خطها و اشتباهات نگارشی می‌شود، داشته باشد. شاید نظام هیئت‌های تبلیغی دین مانوی نوعی الگوبرداری از نظام کتاب‌نگاری دیرخانه‌های شاهان ساسانی یا کتابان دینی آتشکده‌ها در آن دوران بوده باشد که شامل یک مبلغ، یک خوشنویس یا کاتب و یک نگارگر و مذهب می‌شد که مأمور بودند به هر ناحیه‌ای که سفر می‌کنند، کتب مقدس مانوی را به خط خوش کتابت کنند و آن را به زبور تذهیب و نگاره بیارایند.^۹ در این صورت باید چنین اتفاقی در مورد اوستا به صورت جامع‌تر در دوره ساسانی رخ داده باشد و باید بتوانیم آثار آن را در دوره‌های بعد از ساسانی مشاهده کنیم.

در سده‌های اول/ هفتم تا چهارم/ دهم موج تازه‌ای از فعالیت در حوزه کتابت خط پهلوی و اوستایی در ایران به وجود آمد. در این زمان، بر عکس دوره ساسانی، زردشتیان هم فاقد قدرت بودند و هم در اقلیت دینی قرار داشتند. کتابان زردشتی شروع به رونویسی کتابهای کهن و قدیمی دوره ساسانی و ایجاد نسخه‌های تازه‌ای از آن کردند. امروزه بیشتر دست‌نوشته‌های موجود با واسطه به این نسخه‌ها بر می‌گردد. بررسی دست‌نویسهای موجود اوستا نیز نشان می‌دهد که همه آنها از روی الگوی واحدی نوشته شده که به عقیده هوفمان، نسخه پایه یا بنیادی حاصل کوشش موبدان در سده‌های سوم/ نهم و چهارم/ دهم بوده است.^{۱۰} دانشمندان دیگر غالباً این نظر را پذیرفته‌اند و درستی آن را با دقت در بخش‌های مختلف اوستا به اثبات رسانده‌اند.^{۱۱}

قدیمی‌ترین دست‌نویسی که از اوستا باقی مانده است، نسخه مشهور به K7a مربوط به سال ۱۷۸۱م است و سایر دست‌نویسهای بر این نسخه متأخرند. دست‌نویسهای باقی‌مانده جزئیات و مطالب زیادی درباره اصول کتابت و خوشنویسی‌ای که ریشه در دوره ساسانی داشته در خود نهفته دارند و مقایسه آنها با خطوط پهلوی کتبهای کاملاً مستند، نکات قابل توجهی را از خلال سالها بر مانایان می‌کند. با مشاهده دست‌نویسهای باقی‌مانده با نکات جالبی از نظر علم و هنر خوشنویسی رو به رو می‌شویم؛ از جمله: ۱. اولین چیزی که رخ می‌نماید ابزار نوشتن دست‌نویسهاست. در نگارش این نسخه‌ها از قلم نی و مرکب مشکی و سرخ

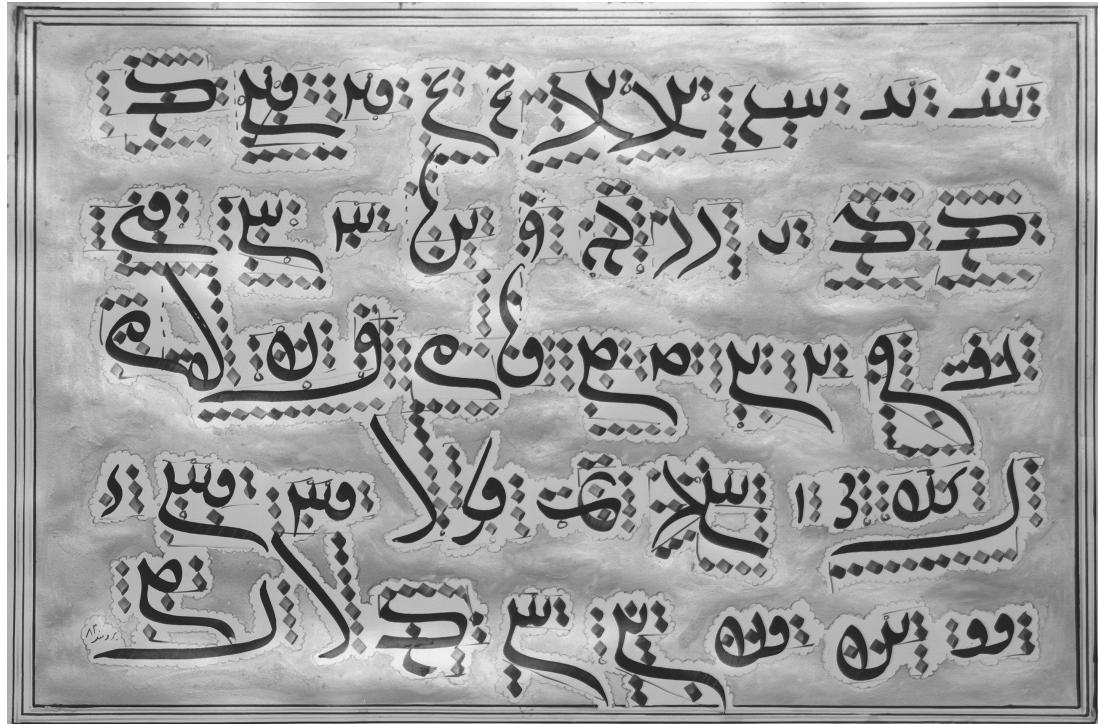
ساسانی اردشیر بابکان (حکم ۲۴۱-۲۲۶) به راهنمایی موبد «توسر» (تسرس) مطالب گردآمده را به دربار خواست و آنچه را معتبر بود پذیرفت و بقیه را به کنار نهاد.^{۱۲} شاپور اول (حکم ۲۷۲-۲۴۱) راه پدر را ادامه داد.

وی کتابهایی را در زمینه‌های پژوهشی، ستاره‌شناسی و سایر رشته‌های علمی که منشأ آنها اوستا بود گردآوری کرد و آنها را با اوستا تطبیق داد و به دستور او نسخه‌ای از آنها به گنج شاهی سپرده شد. بنا به روایات مختلف که بسیاری از آنها بیشتر جنبه اسطوره‌ای دارد، شاپور دوم (۳۷۹-۳۰۹) نیز دستور داد که درستی اثر گردآمده را بیازمایند. برای این منظور آذرباد مارسپندان، موبدان موبد زمان او، عمل «ور» انجام داد؛ یعنی روی گداخته بر سینه او ریختند و نساخت و با این کار اطمینان مؤمنان زردشتی را به کتاب گردآمده جلب کرد. دست آخر خسرو پسر قباد (انوشیروان ۵۳۱-۵۷۹) موبدان را بر آن داشت که اوستای موجود را که از طریق سنت شفاهی و کتبی انتقال یافته و دارای مطالب فراوان و درخور تأملی بود، بازیخنند.^{۱۳}

منوچهر، از موبدان مهم زردشتی، در نامه‌ای، از انجمنی از موبدان زردشتی به ریاست «وه شاپور»، موبدان موبد زمان خسرو انوشیروان، یاد می‌کند که بیست و یک نسخه اوستا را تعیین کرده و بر آن مهر نهادند. شباهت خط اوستایی با پهلوی هوفمان را به این اندیشه واداشت که تاریخ تدوین و تنظیم این الفبا را قرن چهارم میلادی، یعنی تقریباً زمان شاپور دوم بداند؛ دوره‌ای که رقابت شدیدی بین زردشتیان و پیروان ادیان بودایی، مسیحی و مانوی جریان داشت و حکومت ساسانی در پی ایجاد وحدت دینی در سراسر کشور و نیازمند یک کتاب دینی برای رویارویی با ادیان رقیب صاحب کتاب بود.^{۱۴}

تجاربی که از طراحی خط پهلوی کتبهای در نیمة اول حکومت ساسانی و خطوط پهلوی کتابی و زبوری حاصل شده بود و آگاهی از معایبی که هریک از این خطوط داشت، انجمن موبدان و دیران و طراحان آن زمان را بر آن داشت تا خطی برای اوستا طراحی کنند که اولاً تعداد حروف صامت بیشتری داشته باشد تا بتواند تمامی اصوات را نشان دهد؛ ثانیاً حروف مصوت شنان باشد که از پس نمایش ظرایف تلفظ زبانی همچون زبان اوستا که در آن زمان احتمالاً زبانی خاموش نیز بوده برآید؛ ثالثاً امتیاز

ت ۱. بهرام برموند،
القبای اوستایی براساس
بازنویسی از شیوه
هوشگ سوارخشن
با توجه به اندازه
حروف بر حسب واحد
نقطه‌گذاری



سیاهیها و سفیدیها در صفحه معرف و وجود سطحی از سنت خوشنویسی در بین کاتبان زردشتی بوده است. دشواریهای نگارش و آموزش این نوع خوشنویسی فراگیری آن را مستلزم وجود نوعی مسیر استاد و شاگردی می‌کرده است. شکل‌گیری هر شیوه‌ای می‌توانسته حاصل آموزش یک استاد به چند شاگرد باشد و تمرین و ممارست ایشان و ایجاد اصلاحات و تغییرات احتمالی و در پی آن انتقال این یافته‌ها و مهارت‌ها به نسل سوم و چهارم، آن را به انسجام نهایی نزدیک می‌کرد. این مسیر استاد و شاگردی را در دوره ساسانی در بین دبیران و دبیرزادگان و موبدان با دین مردان دیگر می‌توان ردیابی کرد. دست‌نویسهای بازمانده شاید به دست کاتبان و نسخه‌نویسانی نوشته شده باشد که آنها نیز این نوع خوشنویسی را در چرخه استاد و شاگردی بین موبدان و دستوران یا پدران و فرزندان آموخته بودند. نسخه‌های K20 و K50 که از قدیمی‌ترین نسخه‌های دست‌نویس اوستایید به ظن قوی بازمانده سنت رونویسی از دست‌نویسهای سده‌های اول اسلامی یا اواخر دوران ساسانی‌اند.

۲. چیدمان حروف اوستایی در سطرها بر کرسی‌بندی خاصی استوار است.^{۱۰} اگرچه حروف را در همه جا به روی خط کرسی ثابت ننوشته‌اند و سطرها اعوجاج و

به روی کاغذ برهه گرفته‌اند. تغییر ضخامت حروف و قوت و ضعف پهنهای حروف، استفاده کاتب را از نوعی قلم نی باقطع مایل در قسمت سر مُحرز می‌کند. این نوع قلمها با بُرشی که کاتب در نوک آن می‌زند سری شب‌دار و کج می‌یابد که به کاتب امکان می‌دهد از پس نوشتن بخش‌های پهن و نازک حروف برآید. قلم نی و مرکب سنتی‌ترین وسیله کتابت کلیه متون ایرانی از دیرباز بوده است. قلم نوعی از گیاه نی به رنگ قهوه‌ای و خاکی بوده که بیشتر در نواحی خوزستان و یا اطراف دریای مازندران رشد می‌یافته است. و مرکب به رنگ‌های مختلف بوده و از موادی چون دوده، صمع، شنگرف، لاجورد و غیره در رنگ‌های مختلف به دست صنعتگران متبحر ساخته می‌شده است.

بررسی عمیق‌تر شکل کلمات و اتصالات و طرز قرارگیری آنها نسبت به خط کرسی و مقایسه آن با نونه‌های خوشنویسی اسلامی در دوره‌های زمانی مشابه و نزدیک به هم میان این نکته است که حروف و کلمات مشابه را به شکل و اندازه یکسان نوشته‌اند. نواخت (ریتم) و زاویه قلم‌گذاری معینی در تمام سطوحی نسخه‌ها رعایت شده و فاصله بین سطوحها و فاصله حاشیه کاغذ تا شروع سطر، کرسی‌بندی کلمات، ضعف و قوت در حروف، کشیده‌نویسی و سوارنویسی کلمات و ترکیب‌بندی

نوزدهم داداری، نسخه ۱۰۰. همکاران همراه سوچه
نوزدهم سوچه، ۲۰۰۷. نسخه ۱۰۰. همکاران همراه سوچه
سلیمانی، نی طنز، ۲۰۰۸. نسخه ۱۰۰. همکاران همراه سوچه
نمایندگان اسلامی، نسخه ۱۰۰. همکاران همراه سوچه
رسانه و فرهنگ، نسخه ۱۰۰. نسخه ۱۰۰. همکاران همراه سوچه
و سخا در تجربه، نسخه ۱۰۰. نسخه ۱۰۰. همکاران همراه سوچه
سخا، نسخه ۱۰۰. نسخه ۱۰۰. نسخه ۱۰۰. همکاران همراه سوچه
۱۰۰. نسخه ۱۰۰. نسخه ۱۰۰. همکاران همراه سوچه

ت ۲. غونه شیوه خط
مهرآبان کیخسرو،
نسخه K50، مأخذ
تصویر راست گنجینه
دستنویسهای پهلوی،
نسخه K50، (گ) ۱۱۳، (ار) ۱۱۴
چپ: (گ) ۱۵۲، (ار) ۱۵۳، (ب)

۰. کمیون ۶ سه سه. همکاران همراه سوچه
ترکیه لایه کنگره نویسنده، نسخه ۱۰۰.
همکاران همراه سوچه، نسخه ۱۰۰. همکاران همراه سوچه
س. ۶۰۰ سه. همکاران همراه سوچه
لایه کنگره نویسنده، نسخه ۱۰۰. همکاران همراه سوچه
نوزدهم داداری، نسخه ۱۰۰. همکاران همراه سوچه
و نسخه ۱۰۰. همکاران همراه سوچه. صد و سی هزار هزار
میلیون، نسخه ۱۰۰. همکاران همراه سوچه
۱۰۰. نزدیکی، نسخه ۱۰۰. همکاران همراه سوچه
سخا، نسخه ۱۰۰. همکاران همراه سوچه
۱۰۰. نزدیکی، نسخه ۱۰۰. همکاران همراه سوچه.

انتقال یافته است. امروز در دستنویسهای با سبکها و
شیوه‌های متفاوت تحریری رو به روییم که هر یک قواعد
و اصول خوشنویسی‌ای خاص خود دارد. تجزیه و تحلیل
هایی از این شیوه‌ها افق جدیدی را در حوزه فرهنگ
و زبانهای باستانی و تاریخ هنر ایران در پیش رو قرار
می‌دهد.

۶. روند تغییر ارزش و مرغوبیت خطوط باقی‌مانده
به گونه‌ای است که قدیمی‌ترین دستنویسهای از جمله
دستنویسهای شیوه مهرآبان کیخسرو، کاتب نسخه K50 یا
K20 نسبت به دستنویسهای متأخر، کیفیت خوشنویسی
برتری دارد. خطوط با گذشت زمان دچار سیر فهرایی
گشته و تا جایی پیش رفته است که نزدیک‌ترین نوشته‌ها
به زمان ما که عمدها در هندوستان استنساخ شده فقط
رونویسی متن است و از اصول و قواعد و ارزش‌های
خوشنویسی و زیبایی‌نویسی برهای ندارد. متأسفانه هنوز
غایی دانیم خوشنویسی اوستا پیش از مهرآبان کیخسرو در
چه جایگاهی قرار داشته و آیا او نقطه اوجی در کتابت این
خط به شمار می‌آمده است یا نه.

در مجموع، کاتبان خط اوستایی را می‌توان به دو
دسته ایرانی و هندی تقسیم کرد. البته بسیاری از کتابهای
نوشته در هند را نیز ایرانیان مهاجر نوشته‌اند و تأثیرات

فراز و نشیبهایی دارند، در کل، جایگاه و کرسی هر حرف
نسبت به حجم و اندازه و حروف قبل و بعد از آن حرف
تنظیم شده و کاتبان کرسی هر حرف را بر مبنای تنظیم
کلی و قرارگیری کلمه در سطر قرار می‌دادند.

۳. در خط اوستایی فاصله هر حرف با حرف دیگر و
فاصله بین سطراها مبتنی بر نقطه است. فاصله هر کلمه
با کلمه بعدی برابر یک نقطه است؛ و آن عبارت است از
اثر قلم به روی کاغذ به اندازه‌ای در حدود یک مربع به
پهنهای نوک قلم (ت ۱). فاصله سطراها چیزی حدود ۸ تا
۱۱ نقطه است.

۴. خط اوستایی اصولاً خطی است با حروف ناییوسته. با
این حال تقریباً در تمامی دستنویسهای موجود، حروف
این خط به صورت پیوسته نیز آمده است. شاید این حالت
نتیجه اثرپذیری آن از خط پهلوی کتابی باشد. نکته‌ای که
نباید فراموش شود این است که بیشتر کاتبان متأخر اوستا
پهلوی نویس هم بوده‌اند و بسیاری از متون نوشته به خط
اوستایی با تفسیری به خط پهلوی کتابی همراه‌اند.

۵. به علت تعدد کاتبان و دیبران و نسخه‌نویسان و سابقه
تاریخی دو خط پهلوی و اوستایی، این دو خط نیز همچون
سایر خطوط فارسی بعد از اسلام، دارای شکل و شایل و
شیوه‌های مختلف خوشنویسی شده که از استاد به شاگرد



ت. ۳. غوته خط اوستایی
به شیوه مهرآباد
کیخسرو، نسخه K20
(۱۴، ۱۲، ۱۳)

ت. ۴. القابای اوستایی
براساس بازنویسی هیرام
برومند از شیوه مهرآباد
کیخسرو مأخذ تصویر؛
برگرفته از نسخه k20
و k50

۴. شیوه هیربد جاماسب (حدود ۱۸۴۲م)

شیوه‌های خط اوستایی

۱. شیوه هیربد مهرآباد کیخسرو

از زیباترین و فنی ترین شیوه‌های کتابت اوستا شیوه استاد مهرآباد کیخسروست. این خط زیبا در نسخه‌های K50 یستانا با ترجمه و گزارش پهلوی آن می‌بینیم. بخش نخست و بخش دوم و سوم که جزو قدیمی ترین نسخه‌های خطی اوستا و زند است در سال ۱۳۲۵، یا به قول گلدنر^(۱) در سال ۱۳۲۳، نوشته شده و هم اکنون در کپنهاگ نگهداری می‌شود. نسخه‌های K20B و K20C (ارداویراف نامه که بند Hess نیز جزو آن است) نیز به شیوه مذبور است.

نسخه‌های K1 و L4 را نیز در همین مجموعه می‌توان طبقه‌بندی کرد. زیبایی و شیوازی کلمات، اندازه متناسب آنها، کرسی‌بندی صحیح، دوایر کوچک و زیبا، و از همه مهم‌تر وجود کشیده در سطراها از امتیازات و ویژگیهای این شیوه است.

K50 از جمله نسخه‌هایی است که کاتب با چیره‌دستی تمام با سبک و شیوه‌ای مستقل و منحصر به فرد آن را کتابت کرده و در جای جای آن شاهد رعایت



مستقیم و غیرمستقیم مکاتب خوشنویسی ایرانی و اسلامی در خط آنها بهوضوح دیده می‌شود. در هند نیز می‌توان تأثیر خطوط سانسکریت و گجراتی را بر خط اوستایی و پهلوی دید.

با مطالعه دستنویسهایی که مؤسسه آسیایی دانشگاه شیراز منتشر کرده است (سال ۱۹۷۶) با خطوطی در دستنویسهها رو به رو می‌شویم که آنها را به ترتیب زمانی با چند شیوه مختلف اوستانویسی نوشته‌اند که تفاوت‌هایی آشکار با یکدیگر دارند. اگر بتوانیم آنها را جزو شیوه‌های اصلی اوستانویسی قلمداد کنیم، در مقابل، دیگر دستنویسهها با خطوطی نوشته شده است که یا تقلید صرف از گروه ذکر شده بوده یا ترکیبی از دو نوع از این شیوه‌ها به اضافه سلیقه شخصی کاتب.

شیوه‌های مهم تحریر خط اوستایی را بر اساس نام یکی از کتاب مهم آن دوران نام‌گذاری کرده‌اند. این شیوه‌ها را به ترتیب زیر می‌توان دسته‌بندی کرد:

۱. شیوه کتابت هیربد مهرآباد کیخسرو مهرآباد مرزبان (۱۳۲۳م)

۲. شیوه کتابت هوشنج سیاوخش شهریار بخت‌آفرید شهریار (۱۴۹۵م)

۳. شیوه کتابت فریدون مرزبان (۱۶۲۶م)

ت ۵ (راست)، غوته
خط اوستایی به شیوه
هوشگ سیاوشخ
ماخذ تصویر نسخه د
گ) ۴۹، ۵۰ (ب)

ت ۶ (چپ و صفحه
بعد راست)، غوته خط
وستایی به شیوه فریدون
مرزبان، ماخذ تصویر
راست: وندیداد دانشگاه
تهران (گ) ۱۲۱،
۱۲۲ (ب)، ماخذ تصویر
راست صفحه مقابل:
گ) k25 (۱۶۵)،
نسخه ا) ۱۶۶

کاتب تا جایی که می‌توانسته از تیزنویسی و خشکنویسی حروف خودداری کرده است. در این شیوه، متصل نویسی هم معمول بوده است و گاهی دنباله حروف کشیده در صفحه با هم تلاقی می‌کنند. دندانه‌ها تیزی کمی دارند و حروف دایره‌وار جمع و جور و با حداقل دور نوشته شده و نزولهای قلم ارتفاع کمتری نسبت به شیوه‌های دیگر دارد. اصول و قواعد خوشنویسی برای تمامی اجزای این خط سنجیده هماهنگ است و حروف در حداقل فضای مورد نیاز برای گردش قلم نوشته شده‌اند. شکل خاص حروف سبب می‌شده است که کاتب بتواند با سرعت بیشتری بنویسد. وجود کشیده در لابه‌لای سطرها کمک زیادی به رفع خستگی چشم می‌کند و بعد از حروف خُرد و ریز و متراکم، کشیده فضایی آزاد و یکنواخت و متعادل به سطر مم دهد. (ت ۲ و ۳).

آگاهانه اصول و قواعد خوشنویسی ایم. دستنویس ۱
در روز دین از ماه تیر سال ۶۹۳ یزدگردی (۱۷ ماه مه
۱۲۲۴) در شهر کمبی هندوستان به پایان رسیده است
و چون مهر آبان پایان نویس نسخه اصلی را ذکر کرده،
می توانیم شجره نامه این متن را به دست نویس هوماست
سیستان برسانیم که آن را اردشیر و هومن روز و شنبه دین
شهرد کتابت کرده و تاریخ کتابت آن روز سروش از ماه
تیر سال ۵۵۴ یزدگردی (۱۸۵) بوده است. این نسخه را
«ماهیار» نامی به هندوستان برده و رستم مهر آبان مرزبان
پس از سال ۱۲۹۶ از روی آن بازنویسی کرده است. این
نسخه رستم منشاء K1L4 مهریان کیخسرو بوده است که
راسک^(۳) آن را شناسایی کرد.

(3) Rask

تعداد سطرها در دستنویس‌های مختلف این شیوه با هم فرق دارد و در آنها از صفحات ۱۱ سط्रی تا ۲۰ سطری دیده می‌شود. فاصله بین خط کرسی در این شیوه معمولاً بین ۱۱-۹ نقطه همان قلمی است که متن با آن نوشته شده است. فاصله مناسب بین سطرها منجر به ایجاد تعادل بین سیاهیها و سفیدیها در صفحه می‌شود و آن را چشم‌ناز می‌کند. نرمش و لطافت حروف، انحنا و دوایر و گردش بعضی وار قلم و نواخت کلی حروف در صفحه این شیوه را به شیوه‌ای ملائم و لطیف بدل کرده است.

۲. شیوه تحریر هوشنگ سیاوش (۱۴۹۵) کتاب مختلفی در چند نسخه شیوه اوتستای دیگری با اصول و قواعدی خاص عرضه کردند که از استحکام و صلابت کافی برخوردار است. به خلاف شیوه مهریان کیخسرو که خطی لطیف و نرم و پر دور بود، این شیوه خطی خشک با غلبۀ سطح و با دندانه‌های ضخیم است.

و حرکت با تمام پهنهای قلم در اکثر حروف دیده می شود.
با این حال در بخشهای نیز نیم قلمنویسی وجود دارد
(ت.۵).

٣. شیوه تحریر فریدون مرزبان (۱۶۲۶م)

تا قبل از پیدا شدن نسخه منحصر به فرد وندیداد اوستایی به خط فریدون مرزبان که اکنون در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران نگهداری می‌شود، جز نسخه‌های TD2 (که متن بندesh به خط پهلوی همین استاد است) و نسخه DH (که نمونه جالبی از همین شیوه و تحریر پدر او، یعنی مرزبان فریدون، ۱۵۷۷م، است و نسخه TD1 کتاب بندesh تحریر عمومی فریدون، یعنی گویدشا) و دستنویس چاپ شده شماره ۴۹ انتشارات مؤسسه آسیایی دانشگاه شیراز (متن K25) که به این شیوه نوشته شده بود، به نمونه بارز دیگری برخورد نکرد.

در این شیوه فاصله سطرها حدود ۹ تا ۱۰ نقطه است. چیدمان حروف در صفحه متعادل می‌نماید و عدهٔ حروف نسبت به خط کرسی زاویه‌ای دارند که از سمت راست به چپ میل صعودی دارد. این نواخت در قام کلمات مستتر است و کاتب به کرات از نصف چنای قلم استفاده کرده است. بر عکس شیوه مهربان کیخسرو، در این شیوه کلمات در فضایی مربع شکل طراحی شده و حروف خشکی بیشتر و دور و گردش کمتری دارد. دندانه‌های حروف کوتاه ولی مشخص است. کله گرد حروفی مثل S و Z بر عکس شیوه مهربان کیخسرو، توخالی است. فواصل بین کلمات اوستایی با نقطه از هم جدا شده است. با اینکه متصل‌نویسی از اجزای زیبایی دهنده در چهلوی‌نویسی‌های این شیوه است، در دین دیبر-نویسی‌های موجود، کاتبان این شیوه نهایت سعی خود را کرده‌اند تا از متصل‌نویسی حروف بر همین کنند (ت ۶).

۴. شیوهٔ تحریر هر ید حاماس آسا

شیوه‌های دیگری نیز به دست کاتبان هندی پدید آمده که تفاوتهای محسوسی با شیوه‌های ایرانی دارد. دستنویس mu35 را که بانو مهربای-ن- دردی به یاد برادرش دکتر اونوala به کتابخانه نخست دستور مهرجی رانا در نوساری هدیه کرد و به خط هیربد جاماسب آسا در حدود ۱۸۴۰ به بعد نگاشته شده، یا دستنویس F11 که شامل وندیداد

طبق نظر بانو دکتر مزدآپور و استناد به روایات داراب هرمزدیار که از هوشنگ سیاوش خطا باقی مانده است، و براساس اطلاعاتی که دکتر ماهیار نوابی در مقدمه‌ای که بر دست نویس ۹۰ د نوشته، به افتخار او این شیوه را هوشنگ سیاوش نام‌گذاری کرد.^{۱۴}

کاتب این دستنویس هوشنگ سیاوش شهریار
بخت آفرید شهریار است که وی آن را از روی نسخه
مهران اسپندیار مهران و، این مهران از روی
دستنویس ماهپناه آزادمرد و ماهپناه به نوبه خود از
روی نسخه و نسخ سروش بار نوشتہ. ماه امرداد
۸۶۴ پیزدگردی (۱۴۹۵م) بوده است.^{۱۴}

از مشخصات بارز این شیوه سادگی و خشکی کلمات است. اینجا از گرددشای ملائم و نرم قلم که در شیوهٔ مهرآبان کیخسرو وجود داشت خبری نیست. حروف دندانه‌دار، و دندانه‌ها مشخص و بزرگ است. بیشتر کلمات در قالب مستطیل شکل طراحی و اجرا شده‌اند. کلمات در انتهای سطر میل به بالا دارند و گاهی آنها را سوارنویسی کرده‌اند. دستنویس خوده اوستا ج ۱ به شماره ۶ مجموعه بیانی و نسخه خوده اوستا و مینوی خرد TD23 نیز از نمونه‌های بارز این شیوه‌اند. حروف در این شیوه به رشیدترین و بزرگ‌ترین اندازه ممکن قلم نوشته شده‌اند

ت. ۷. نمونه خط اوستایی
به شیوه هیرید جاماسب
از نسخه mu35 مأخذ
تصویر: (اگ، ۳۹،
بپ).

شیوه هیرید داده شده است. گنجینه دست نویسی های پهلوی خود را در این نسخه مذکور شده است. این نسخه دارای آنچه که در سایر نسخه های اوستایی داشته اند دارد. با این حال به نظر راقم این سطور، دست نویسها هی هنوز تغییراتی در زاویه نوشتن حروف بوجود آورده است.

ویژگی دیگر این شیوه اوستانویسی استفاده مکرر از متصل نویسی حروف است. به خلاف شیوه های قبلی که حروف دین دیبره را از هم جدا می نوشند و متصل نویسی

خصوص بعضی از حروف بود، در اینجا اتصال بیش از حد حروف متأثر از خط پهلوی یا خط دیگری بوده و نواخت سطراها و فضای بین حروف و ترکیب بندی سفیدیها و سیاهیها شکل تازه ای از دین دیبره را به نمایش گذاشته اند (ت. ۷).

کاتبان متأخر پارسی هند نیز تا حدودی با خطوط فارسی نستعلیق و نسخ و شکسته آشنا بیان داشته و در لابه لای صفحات دست نویسها از این خطوط نیز استفاده کرده اند. با این حال به نظر راقم این سطور، دست نویسها هی هنوز تغییراتی در زاویه نوشتن حروف بین تری قرار دارند. متأسفانه خط پهلوی و اوستایی در هند هرچه به زمان حال نزدیک می شود مسیر نزولی تندتری می پیماید. □

کتاب نامه

ابوالقاسمی، محسن. راهنمای زبانهای باستانی ایران، تهران، سمت، ۱۳۷۹.

برجیان، حبیب. کتابت زبانهای ایران، تهران، سروش، ۱۳۷۹.

برونمند، بهرام. بررسی دست نویسها های پهلوی و اوستایی از دیدگاه کتابت و خوشنویسی، رساله برای دریافت درجه کارشناسی ارشد رشته فرهنگ و زبانهای باستانی ایران، تهران، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، ۱۳۷۶، چاپ نشده.

تفضلی، احمد. تاریخ ادبیات ایران در دوران پیش از اسلام، به کوشش ژاله آموزگار، تهران، ۱۳۷۶.

فضائلی، حبیب الله. طلاس خط، اصفهان، ۱۳۵۰.

———. تعلیم خط، اصفهان، ۱۳۴۹.

فلسفی، امیر احمد. ترکیب در نستعلیق، تهران، ۱۳۷۴.

———. کتاب کشیده، تهران، ۱۳۸۰.

قلیچ خانی، حیدر رضا. فرهنگ و واژگان اصطلاحات خوشنویسی، تهران، روزن، ۱۳۷۳.

عریان، سعید. متون پهلوی، تهران، کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۱.

نوای، ماهیار و کیخسرو جاماسب آسا (و). گنجینه دست نویسها های پهلوی و پژوهشها های ایرانی با همکاری فیز بهرام فرهوشی و محمود طاووسی، مؤسسه آسایی دانشگاه پهلوی شیراز، ۱۹۷۶، ج. ۷۵، ۲۰.

دست نویس ک. ۴۳، بخشی از دینکرت و دو قطعه کوچک از یک متن پهلوی و اوستایی، در: گنجینه دست نویسها های پهلوی و پژوهشها های ایرانی دست نویس ک. ۲۰، در: گنجینه دست نویسها های پهلوی و پژوهشها های ایرانی

دست نویس ک. ۳۵۰، نامکهیهای منوچهر زاد اسیرم، در: گنجینه

دست نویسها های پهلوی و پژوهشها های ایرانی

دست نویس ک. ۳۵، روایات پهلوی، دادستان دینیکه، روایات پهلوی، ۲، در:

گنجینه دست نویسها های پهلوی و پژوهشها های ایرانی

13. K. F. Geldner, *The Sacred Books of the Parsis*.
۱۴. دستنویس ۵، ۹۰، مقدمه.
- دستنویس ک ۳، بندesh بزرگ - مینوی خرد - دینکرت - بهمن پشت، در: گنجینه دستنویسهای چهلوی و پژوهشها ایرانی
- دستنویس م ۳۵ و ۳۶ متن اوستا و چهلوی سی روزه کوچک، در: گنجینه دستنویسهای چهلوی و پژوهشها ایرانی
- دستنویس ت ۲، بندesh ایرانی، روایات امیر اشاوهشیان و جز آن، در: گنجینه دستنویسهای چهلوی و پژوهشها ایرانی
- دستنویس ۵، ۹۰، پسنا، در: گنجینه دستنویسهای چهلوی و پژوهشها ایرانی
- دستنویس ک ۵۰، پسنا با ترجمه و گزارش چهلوی آن، در: گنجینه دستنویسهای چهلوی و پژوهشها ایرانی
- دستنویس چاپ نشده و ندیداد اوستایی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، در: گنجینه دستنویسهای چهلوی و پژوهشها ایرانی
- دستنویس ت دا، بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۸، در: گنجینه دستنویسهای چهلوی و پژوهشها ایرانی
- کتاب منتهای چهلوی، گردآوری دستور جاماسب جی منوجهر جاماسب آسا، ۱ و ۲، بنیاد فرهنگ ایران، در: گنجینه دستنویسهای چهلوی و پژوهشها ایرانی
- ویدن گرن، جی. مانی و تعالیم او، ترجمه نزهت اصفهانی، تهران، برچم، ۱۳۵۲.

همفمان، کارل. «پیرامون فهرست نشانه‌های خط اوستایی»، ترجمه بهنام خان خلیلی، در: فرهنگ، کتاب ششم (همار ۱۳۶۹).

Geldner, K. F., *The Sacred Books of the Parsis*, Stuttgart, 1889.

Kellens, J. "Avestique", in: *Compendium Linguarum Iranicarum*. (1989).

Madan. *The Complete Text of the Pahlavi Dēnkard*, 2 parts, Bombay, 1911.

Shaki, M. "The Dēnkard Account of History of Zoroastrian Scriptures", in: *Archive Orientalni*, vol. 49, 1981.

پی‌نوشتها

۱. سعید عربان، متون چهلوی، ص ۶۴، ۶۹، ۲۲۰، ۲۲۸.
۲. Madan, The Complete Text of 'The Pahlavi Dēnkard', p. 405.
۳. ibid., p. 411.
۴. احمد تقاضی، تاریخ ادبیات در دوران پیش از اسلام، ص ۴۵.
۵. نقش شده در: حبیب بر جیان، کتابت زبانهای ایرانی.
6. M. Shaki, "The Dēnkard Account of History of Zoroastrian Scriptures", p.115.
7. Kellens, "Avestique", pp. 35-44.
۸. جی. ویدن گرن، مانی و تعالیم او، ص ۴۸.
۹. ویدن گرن، همان، ص ۱۳۶.
۱۰. کارل همفان، «پیرامون فهرست نشانه‌های خط اوستایی».
11. Kellens, op.cit., p.44.
۱۲. هرام برومند، بررسی دستنویشهای چهلوی و اوستایی از دیدگاه کتابت و خوشنویسی، ص ۱۲۷.